



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده غرب‌شناسی و علم پژوهی

گروه تاریخ علم و تمدن

رساله دکتری رشته تاریخ علم دوره اسلامی

جستار تطبیقی بیماری سیفلیس از دیدگاه پزشکان عصر صفوی

و پزشکان اروپایی معاصر آنان

استاد راهنما

دکتر یونس کرامتی

استادان مشاور

دکتر مهرداد کریمی

دکتر علی‌رضا منجمی

پژوهشگر

رقیه حسینی

شهریور 1397

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده غرب‌شناسی و علم پژوهی

گروه تاریخ علم و تمدن

رساله دکتری رشته تاریخ علم دوره اسلامی

جستار تطبیقی بیماری سیفلیس از دیدگاه پزشکان عصر صفوی

و پزشکان اروپایی معاصر آنان

استاد راهنما

دکتر یونس کرامتی

استادان مشاور

دکتر مهرداد کریمی

دکتر علی‌رضا منجمی

پژوهشگر

رقیه حسینی

شهریور 1397



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۳۱

رساله‌ی تحصیلی خانم رقیه حسینی دانشجوی مقطع دکتری رشته‌ی تاریخ علم دوره اسلامی

تحت عنوان:

جستار تطبیقی بیماری سیفلیس از دیدگاه پزشکان عصر صفوی و پزشکان اروپایی معاصر آنان

را بررسی کردند و رساله با نمره ۱۸/۷۵ و درجه بسیار خوب به تصویب نهایی رسید.

امضا
امضا
امضا
امضا
امضا
امضا

۱. استاد راهنمای رساله: جناب آقای دکتر یونس کرامتی با مرتبه علمی استادیار

۲. استاد مشاور اول رساله: جناب آقای دکتر مهرداد کریمی با مرتبه علمی استادیار

۳. استاد مشاور دوم رساله، جناب آقای دکتر علیرضا بنجمی با مرتبه علمی استادیار

۴. استاد داور داخلی رساله: جناب آقای دکتر عبدالرسول عمادی

۵. استاد داور مدعو رساله: سرکار خانم دکتر مرضیه کاظمی با مرتبه علمی استادیار

۶. استاد داور مدعو رساله: سرکار خانم دکتر روجا رحیمی با مرتبه علمی دانشیار

امضای مدیر تحصیلات تکمیلی

امضا

امضای رئیس پژوهشکده

امضا

سپاسگزاری:

در اینجا بر خود لازم می‌دانم که از زحمات بی‌شائبه و راهنمایی‌های دلسوزانهٔ استاد عزیزم جناب آقای دکتر کرامتی در طول دورهٔ تحصیل و نیز در مراحل انجام این تحقیق صمیمانه تشکر نمایم. همچنین از اساتید گرامی جناب آقایان دکتر مهرداد کریمی و دکتر علی‌رضا منجمی که قبول زحمت نموده و در انجام این رساله مشاورهٔ آن را پذیرفتند، تشکر و قدردانی می‌کنم. همچنین از اساتید فرهیخته سرکار خانمان دکتر مرضیه کاظمی، دکتر روجا رحیمی و جناب آقای دکتر عبدالرسول عمادی که زحمت داوری این رساله را پذیرفتند و با سعه‌صدر آن را مطالعه نمودند و رهنمودهای لازم را بی‌دریغ ارایه نمودند، کمال سپاسگزاری و قدردانی را دارم و برای همگی آنها از درگاه احدیت آرزوی سلامتی و توفیق روزافزون خواهانم.

در پایان از همسر و مادر عزیزم و پدر مرحومم که همواره در تمامی مراحل زندگی پشتیبان من بوده‌اند، و در سایهٔ دعای آنها از گذرگاه‌های سخت زندگی عبور کرده‌ام کمال تشکر و قدردانی را دارم.

تقدیم به:

مادر و همسر عزیزم

و

برای عزیزانم

سیده و امیر حسین

چکیده

پس از جنگ ناپل در 1494م، بیماری همه‌گیر ترسناکی در اروپا شایع شد که بعدها سیفلیس نامیده شد. بنا به گزارش بهاءالدوله حسینی نوریبخش (پزشک برجسته اواخر دوره تیموری و اوایل دوره صفوی)، مولف خلاصه‌التجارب، که این بیماری را ارمنی‌دانه، آبله‌فرنگ و آتشک نامیده است، در 904ق/1498م بیماری از سرزمین‌های امپراتوری عثمانی نخست به آذربایجان، عراق عجم و فارس راه یافت و سپس در سراسر ایران شایع گردید. ویژگی منحصر به‌فرد گزارش بهاءالدوله آن است که به‌رغم فاصله ناچیز میان نگارش این رساله و ظهور و شیوع بیماری در اروپا فقط (6 سال) وی از یکی از داروهای «حکمای فرنگ» یاد کرده است. در این نسخه، و نیز نسخه‌های درمانی بهاءالدوله و پزشکان ایرانی هم‌روزگار او و پس از آن، جیوه پیوسته نقش اساسی داشت تا آن که عمادالدین شیرازی در رساله بیخ/چوب‌چینی این دارو را نیز که به تازگی وارد ایران شده بود برای درمان آتشک تجویز کرد و سپس در رساله آتشک در 977ق/1569م که نخستین تکنگاری فارسی در این موضوع به‌شمار می‌آید، بی‌آن‌که از اهمیت کاربرد جیوه بکاهد، بیخ‌چینی را نیز در کنار آن به کار برد.

کلید واژه ها: آتشک، سیفلیس، بهاءالدوله حسینی نوریبخش، عمادالدین شیرازی، درمان با

جیوه و بیخ‌چینی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	پیشگفتار
	فصل اول
3	1. کلیات پژوهش
4	1.1. مسأله پژوهش
5	2.1. قلمرو پژوهش
6	3.1. اهمیت و ضرورت پژوهش
6	4.1. سوالات پژوهش
6	5.1. فرضیه‌های پژوهش
7	6.1. روش انجام پژوهش
7	7.1. روش جمع آوری اطلاعات
7	8.1. فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
8	9.1. پیشینه پژوهش
	فصل دوم
9	2. زندگی و کارنامه بهاءالدوله رازی
10	1.2. مقدمه
10	2.2. شرح حال خاندان بهاءالدوله
11	3.2. زندگی‌نامه بهاءالدوله
13	4.2. آثار
13	4.2.1. خلاصه‌التجارب فی الطب
15	4.2.2. العون

- 15 4.2.3. هدیه الخیر
- 15 5.2. پژوهش‌ها
- 16 5.2.1. تب یونجه
- 17 5.2.2. سیاه سرفه

فصل سوم

- 19 3. زندگی و کارنامه عمادالدین شیرازی
- 20 3.1. شرح حال خاندان عمادالدین شیرازی
- 20 3.2. زندگی‌نامه
- 22 3.3. آثار
- 23 3.3.1. رساله آشک
- 24 3.3.2. رساله افیونیه
- 25 3.3.3. ترکیبات شاهیه
- 25 3.3.4. رساله چوب چینی
- 26 3.3.5. رساله پادزهر مهره
- 27 3.3.6. رساله قلع در دفع کردن هر رنگ از جامه و کاغذ و غیره
- 27 3.3.7. ینوع فی علم طب
- 27 3.3.8. آثار دیگر
- 27 4.3. الگود و تهمت انتحال به عمادالدین

فصل چهارم

- 30 4. سیفلیس در اروپا
- 31 4.1. ماهیت سیفلیس
- 32 4.2. فرضیه‌هایی درباره منشأ سیفلیس
- 32 4.2.1. فرضیه پیشا کلمبی

- 33 2.2.4. فرضیه با منشاء مشترک
- 33 3.2.4. فرضیه کلمبی
- 35 3.4. وجه تسمیه سیفلیس
- 36 4.4. شیوع سیفلیس در اروپا
- 38 5.4. دیدگاه‌های پزشکان اروپایی از 1495 تا 1498م

فصل پنجم

- 45 5. سیفلیس در ایران
- 46 1.5. مقدمه
- 46 2.5. آتشک و دیگر نام‌های رایج برای سیفلیس در ایران و وجه تسمیه آن‌ها
- 47 3.5. مسیر احتمالی ورود سیفلیس به ایران
- 48 4.5. بیماری‌ئی جدید یا نوعی از بیماری‌های شناخته شده پیشین
- 50 5.5. بیماری‌های دارای نشانه‌های بالینی مشترک با سیفلیس
- 50 1.5.5. ریش بلخ
- 51 2.5.5. نار فارسی و جمرة

فصل ششم

- 55 6. دیدگاه‌های نخستین پزشکان ایرانی درباره سیفلیس
- 56 1.6. مقدمه
- 56 2.6. تعریف و چیستی بیماری
- 57 3.6. سبب‌شناسی
- 57 4.6. نشانگان بیماری
- 60 5.6. سرایت
- 62 6.6. درمان

فصل هفتم

67	7. مقایسه و نتایج
68	1.7. بهاءالدوله و مخترعات حکمای فرنگ
68	2.7. کاربرد جیوه در نسخه‌های آتشک
71	3.7. سرایت
71	4.7. تدبیرهای درمانی عمومی
71	5.7. درمان باچوب چینی
77	پیوست: متن تصحیح شده رساله آتشک
84	فصل در حدّ این مرض و اسامی آن و طریق حدوث آن
87	فصل در علامات این مرض
90	فصل در اسباب این مرض
92	اما علاج این مرض
98	فصل در بعضی قوانین علاج مطلق این مرض
109	در ذکر سبب تاثیر زیبق و نفع او درین مرض
116	اما آن چه میر بهاء الدوله در طب خود ذکر کرده این است:
132	خاتمه در طلایی که از برای جرب به غایت نافع است
135	کتابنامه

پیشگفتار

بیماری‌های عفونی واگیردار از قدیمی‌ترین دشمنان سلامت بشر هستند. همه‌گیری‌های بزرگ ایجاد شده توسط برخی از آن‌ها در قرن‌های گذشته خسارات سنگینی بر جامعه بشری وارد کرده است. باید دانست که جذام و طاعون تنها بیماری‌های همه‌گیری نبودند که در دوران قرون وسطی مردم را به کام خود کشیدند. در اواخر سده پانزدهم میلادی بیماری همه‌گیر ناشناخته‌ای به نام سیفلیس در اروپا شایع شد. شماری از امپراتوران، پادشاهان، و هنرمندان معروف قربانی این بیماری شدند.

پژوهشگران به رغم اختلاف نظر درباره منشأ سیفلیس، درباره انتقال شکل کنونی این بیماری از قاره آمریکا به اروپا، اتفاق نظر دارند. سیفلیس را خدمه کشتی کریستف کلمب در سال 1493 میلادی به اروپا آوردند. گفته می‌شود برخی از کارکنان کشتی، سیفلیس را از زنان بومی آن نواحی گرفته و به هنگام بازگشت به اسپانیا به آن مبتلا بوده‌اند.

این بیماری نخست در اسپانیا شیوع یافت و با حضور سربازان مزدور اسپانیایی در سپاه شارل هشتم، پادشاه فرانسه که ناپل را محاصره کرده بود، در میان سربازان شایع شد. پس از شکست شارل در 1495، سربازان در تمام اروپا پخش شدند و بیماری را منتشر کردند. سیفلیس در سال 1495 در فرانسه، آلمان و سوئیس و در سال 1496 در یونان و هلند و سال بعد در اسکاتلند و انگلستان و در سال 1499 در مجارستان و روسیه گسترش یافت. گویا این بیماری در سال 1498 از طریق ملوانان از اروپا به هندوستان و در سال 1505 به چین منتقل شد.

بیماری سیفلیس تا سال‌ها نامی نداشت، یا به نام‌های مختلف خوانده می‌شد. اهالی ایتالیا آن را منسوب به فرانسه و فرانسویان منسوب به ایتالیا می‌دانستند، پاره‌ای تصور می‌کردند که از هندوستان نشئت گرفته است و آن را سرخک یا خنازیر می‌نامیدند؛ دسته‌ای آن را کوفت یا آبله بزرگ نام گذاری می‌کردند. در سال 1530 میلادی جیرولامو فراکاستورو¹، پزشک ایتالیایی، «سیفلیس» را برای عنوان یکی از آثار منظوم خود به کار برد که در آن شیوع این بیماری در ایتالیا در ضمن داستانی به نظم کشیده شده بود. از این تاریخ بیماری مزبور به سیفلیس مشهور شد.

1. Girolamo Fracastoro

بسیاری از پزشکان از ترس ابتلا به این بیماری، از درمان بیماران امتناع می‌کردند، ولی شماری از آنان، با درمان سیفلیس با جیوه (که برای بیماری برص و جذام به کار می‌رفت)، ثروتی سرشار به کف آوردند. چنین می‌نماید که نخستین گزارش شرقی دربارهٔ این بیماری را بهاءالدولهٔ حسینی نوریخس در 1501/907 م ارائه کرده است. بهاءالدوله اظهار می‌دارد که این بیماری نخستین بار در سال 904 ق / 1498 م در آذربایجان ظاهر شده، از آنجا به عراق و فارس سرایت کرده و سه سال پس از آن در سراسر ایران منتشر شده است. بهاءالدوله این بیماری را آبله‌فرنگی، زخم ارمنی، نارفارسی و آتشک می‌نامید که از آن پس نام آتشک بیش از نام‌های دیگر به کار رفت.

نخستین اثر تک‌نگاری فارسی دربارهٔ سیفلیس رسالهٔ آتشک عمادالدین شیرازی است که در سال 977 ق / 1569 م نوشته شده است. عمادالدین در مورد چگونگی اشاعهٔ آن به درستی اظهار می‌دارد که آمیزش جنسی علت اصلی ابتلا است. بررسی و تطبیق آثار بهاءالدوله و عمادالدین شیرازی در زمینهٔ این بیماری با دانش جدید و مقایسهٔ آنها با پژوهش‌هایی که اروپائیان در این خصوص انجام داده‌اند، می‌تواند ارزش نوآوری پزشکان ایرانی را در علم پزشکی برجسته کند. این امر در تاریخ علم پزشکی تا آنجا که بررسی شده، مورد توجه قرار نگرفته است.

رقیه حسینی
شهریور 1397

فصل اول
کلیات پژوهش

1.1. مسأله پژوهش

سیفلیس یکی از بیماری‌های مقاربتی است که نوعی باکتری به نام تروپونماپالیدوم (*Pallidum Treponema*) آن را ایجاد می‌کند. این بیماری از راه تماس جنسی، خراش روی پوست یا از طریق دهان منتقل می‌شود. علائم و نشانه‌های سیفلیس در هر یک از مراحل چهارگانه بیماری متغیر است. به گمان بیشتر پژوهشگران این بیماری در اواخر قرن پانزدهم در اروپا گزارش شده است. اما برخی درباره این که سیفلیس پیش از محاصره ناپل در 1495 نیز در اروپا وجود داشته‌است تردید کرده‌اند. اما گویا در این باره تردیدی نیست که صورت کنونی سیفلیس پیش از بازگشت کریستف کلمب از دنیای جدید (آمریکا) ناشناخته بوده است.

در منابع دوره اسلامی نیز تا پیش از سده 9 ق گزارش‌های در این باب به چشم نمی‌خورد اما برخی پنداشته‌اند که ابن سینا و شماری از پزشکان این دوره این بیماری و عوارض آن را وصف کرده‌اند که اگر چنین باشد باید گفت که سیفلیس پیش از شیوع در اروپا در ایران شناخته بوده است ولی مستندات پیروان این دیدگاه چندان که باید محکم نیست و شواهد محکمی که به وجود این بیماری در ایران پیش از رواج آن در غرب (قبل از پیدایش قاره جدید) دلالت کند هنوز به دست نیامده است.

نخستین شرحی که درباره این بیماری داده شده از کورادینوس گیلینوس (*Coradinus Gilinus*) در 1497 است. در 1530م جیرولامو فراکاستورو (*Girolamo Fracastoro*) این بیماری را سیفلیس نامید. چنین می‌نماید که نخستین گزارش شرقی درباره این بیماری را بهاءالدوله حسینی نوریخس در 907ق/1501 ارائه کرده باشد. وی اظهار می‌دارد که این بیماری نخستین بار در سال 904ق/1498م در آذربایجان ظاهر شده، از آن جا به عراق و فارس سرایت کرده و سه سال بعد از آن در سراسر ایران منتشر گردیده است. بهاءالدوله نخستین کسی بود که به موازت استعمال اسامی ابله فرنگی، نارفارسی و زخم ارمنی نام آتشک به آن داد. بهاءالدوله دریافت که انتشار بیماری بیشتر از طریق آمیزش جنسی انجام می‌گیرد ولی با وجود این به امکان آلودگی از طریق بخار بدن که در حمام گرم حاصل می‌شود، اشاره کرده و نیز ارتباط زخم‌ها و ضایعات سیفلیسی را با دانه‌های از بین رفته از نظر دور نداشته است. وی مدتی را که بیماری به طور عادی قبل از رسیدن در بدن می‌گذراند هفده ماه معین می‌کند. بنابراین اظهار می‌دارد که درمان باید تقریباً دو سال ادامه یابد. در عین حال درمان در مدت کوتاه‌تر از آن را نیز امکان پذیر می‌داند و اضافه می‌کند خود او با درمان طولانی و با استفاده از معجون جیوه چندین بیمار را درمان کرده است. تا

جایی که می‌دانیم، نخستین اثر مستقل فارسی دربارهٔ سیفلیس رسالهٔ آتشک عمادالدین شیرازی است که در سال 977ق/1569م نوشته شده است. عمادالدین رساله خود را با مقایسه آتشک و آبله شروع می‌کند و میان آنها و سیاه زخم و جرب تمایز قائل می‌شود و سپس در مورد چگونگی اشاعه آن بدرستی اظهار می‌دارد که آمیزش جنسی علت اصلی ابتلا است. عمادالدین مزمّن بودن این بیماری را شناخته و اظهار داشته اگر کسی به این بیماری دچار شود حتی اگر تحت درمان هم قرار بگیرد ممکن است سه یا چهار سال یا حتی بیشتر به حال بیماری باقی بماند. بیش از نیمی از رساله آتشک عمادالدین به درمان این بیماری اختصاص داده شده است و علاوه بر معالجات شناخته شده از قبیل عرق کردن، خون گرفتن و پرهیز دادن عمادالدین چوب چینی را بهترین مرهم و شاید بهترین دارو برای درمان بیماری سیفلیس معرفی می‌کند. البته از نظر او تاثیر این دارو بر افراد مختلف و سنین گوناگون به سبب تفاوت مزاج آنان متفاوت است. بررسی و تطبیق آثار بهاءالدوله و عمادالدین شیرازی در زمینه این بیماری با دانش جدید و مقایسه آنها با پژوهش‌هایی که اروپائیان در این خصوص انجام داده‌اند می‌تواند ارزش نوآوری پزشکان ایرانی را در علم پزشکی برجسته کند و این امر در تاریخ علم پزشکی تا جایی که بررسی شد مورد توجه قرار نگرفته است.

2.1. قلمرو پژوهش

الف) قلمرو مکانی: ایران و اروپا

ب) قلمرو زمانی: سدهٔ 9 ق/15م

تمرکز اصلی این پژوهش بر آثار بهاءالدوله و عمادالدین شیرازی است که در قرن‌های نهم و دهم هجری تالیف شده‌اند. افزون بر این به تاریخچه ورود سیفلیس به اروپا که به اواخر قرن پانزدهم میلادی و آثار دانشمندان اروپایی چنان که باید توجه خواهد شد.

ج) قلمرو موضوعی: گزارش‌های پزشکان ایرانی (به‌ویژه بهاءالدوله نوربخش و عمادالدین شیرازی) در باب عوارض و نشانه‌های بالینی آبله فرنگ/آتشک/سیفلیس و روش‌های درمانی آنان و مقایسه آن با گزارش‌های اروپایی.

3.1. اهمیت و ضرورت پژوهش

درباره تاریخچه بیماری سیفلیس در ایران اسناد و مدارک معتبری در دست نیست و آنچه در تواریخ و شرح احوال و کتب مختلف درباره بروز سیفلیس در ایران آمده است، مبهم بوده و متکی به دلایل و شواهد علمی نیست و تاکنون پژوهشی با این عنوان و رویکرد صورت نگرفته است لذا یکی از دلایل انتخاب این موضوع بررسی تاریخچه ورود بیماری سیفلیس از اروپا به ایران است.

دلیل دوم اهمیت این پژوهش، تطبیق یافته‌های پزشکان ایرانی در زمینه بیماری سیفلیس با پژوهش‌های پزشکان اروپایی است. از سوی دیگر به انجام رساندن این پژوهش می‌تواند گامی مهم در زمینه پژوهش درباره تاریخ پزشکی در دوره اسلامی باشد و راه را برای پژوهش‌های دیگر در این زمینه بگشاید.

4.1. سوالات پژوهش

- 1- سیفلیس از چه هنگام، از کجا و چگونه به ایران راه یافت و شایع شد.
- 2- پژوهش‌های پزشکان عصر صفوی درباره بیماری سیفلیس و یافته‌های پزشکان اروپایی در خصوص نشانگان، و چگونگی سرایت و روش‌های درمان بیماری چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟
- 3- شباهت‌های احتمالی ناشی از پیروی پزشکان ایرانی از پزشکان اروپایی است یا می‌توان آن را به مسائلی دیگر نسبت داد.

5.1. فرضیه‌های پژوهش

- 1- سیفلیس در آستانه تشکیل دولت صفوی، از راه متصرفات عثمانی به ایران یافت و به سرعت در سراسر ایران شایع شد.
- 2- نظریات بهاءالدوله و عمادالدین در مورد نشانگان، چگونگی سرایت و درمان بیماری با دیدگاه‌های پزشکان اروپایی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی شایان توجه دارد؛ که از این میان می‌توان به تدابیر مشابه در آماده‌سازی بیمار برای درمان و به‌کارگیر جیوه به عنوان داروی اصلی درمان بیماری اشاره کرد.

3- بهاءالدوله و عمادالدین هر دو به نسخه‌های پزشکان فرنگ و نیز کاربرد جیوه توسط آنان اشاره کرده‌اند اما در ضمن یادکرد نشانگان بیماری هیچ اشاره‌ای به آنان نشده است. چنین می‌نماید که به رغم آگاهی این دو از کاربرد جیوه در اروپا، به کارگیری این ماده بیشتر تحت تأثیر تجربه‌های پیشین پزشکان ایرانی - اسلامی در کاربرد جیوه در بیماری‌های پوستی مشابه (به ویژه جرب) بوده است. افزون بر این کاربرد چوب چینی توسط عمادالدین را نمی‌توان به روش‌های درمانی اروپایی ربط داد.

6.1. روش انجام پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع، بخش اصلی این پژوهش به روش کتابخانه‌ای (کتابخانه سنتی / دیجیتال) و بر مبنای کتب و مقالات منتشر شده در ارتباط با موضوع انجام می‌شود.

7.1. روش جمع آوری اطلاعات

برای منابع اروپایی از ابزارهای جستجوی کارگزاری‌های اینترنتی چون Medline, Jstor و مانند آن استفاده خواهد شد. در مورد منابع شرقی نیز نرم افزار جامع طب و فهرست‌واره‌هایی چون فهرست دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، فهرست‌واره آثار فارسی (احمد منزوی) راهگشاست. در این پژوهش به منابع کتابخانه مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی (بزرگ‌ترین کتابخانه تخصصی اسلام‌پژوهی و ایران‌پژوهی در خاورمیانه و آسیا) تکیه بسیار خواهد شد.

8.1. فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

- در گام نخست به تفصیل علت، علایم بیماری، راههای انتقال و نحوه درمان سیفلیس مورد توجه اساسی قرار خواهد گرفت.
- در گام دوم به تاریخچه ورود سیفلیس از اروپا به ایران به استناد منابع تاریخی توجه خواهد شد.
- در گام سوم به پژوهش‌های دانشمندان اروپایی و صفوی در خصوص بیماری سیفلیس توجه خواهد شد.
- در گام چهارم دیدگاه‌های دانشمندان ایرانی و اروپایی در زمینه سیفلیس مورد بررسی تطبیقی قرار خواهد گرفت. تا موارد سازگاری و اختلاف آنها نمایان شود.

9.1. پیشینه پژوهش

دو گزارش سیریل لوید الگود در دو کتاب پرآوازه‌اش، «تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی» (1951م) و «طب در دوره صفویه» (1970م) تنها گزارش‌های شایسته توجه درباره تاریخچه سیفلیس در ایران به شمار می‌رود، اما با آن که الگود سال‌ها در ایران به عنوان پزشک سفارت انگلستان به کار مشغول بوده و علی‌الرسم با زبان فارسی آشنایی داشته است، به نظر می‌رسد که نتوانسته نوشته‌های بهاء‌الدوله و عمادالدین را که طبعاً با زبان فارسی امروزی کنونی تفاوت‌هایی داشته، چنان که باید و شاید دریابد و در نتیجه در گزارش او اشتباهاتی چشم‌گیر و چشم‌ناپوشیدنی راه یافته است. این دو گزارش منبع اصلی همه منابع دست‌چندم بعدی درباره تاریخچه سیفلیس در ایران و نیز زندگانی عمادالدین بوده است و در نتیجه آن منابع نیز این اشتباهات را عموماً تکرار کرده‌اند. اشتباهات الگود در این باره هر یک در جای مناسب یادآوری شده‌اند.

فصل دوم

زندگی و کارنامهٔ بهاء‌الدوله رازی

1.2. مقدمه

بهاءالدوله رازی در اواخر سده نهم هجری قمری در طرشت ری زاده شد. وی قسمتی از زندگی را در خدمت سلطان حسین بایقرا گذراند و پس از مرگ این سلطان به ری بازگشت و سرآمد اطبای آن شهر شد. بهاءالدوله کتاب ارزشمند خلاصهالتجارب فی الطب را در سال 907 هجری قمری در همین شهر به پایان رساند. این کتاب دربردارنده کهن‌ترین گزارش شرقی/ ایرانی درباره سیفلیس است. خلاصهالتجارب افزون بر این پژوهش‌های دیگر بهاءالدوله را نیز دربر دارد.

2.2. شرح حال خاندان بهاءالدوله

بهاءالدوله رازی پزشک برجسته اواخر دوره تیموری و اوایل دوره صفوی از نوادگان سید محمد نوربخش، موسس فرقه نوربخشیه در تصوف است. نسبت رهبر این فرقه با هفده واسطه به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. پدرش محمد بن عبدالله به قصد زیارت از موطن خود، قطیف به خراسان و از آنجا به قاین که قصبه معروفی از توابع ایالت قهستان است رفت، و آنجا توطن و تاهل اختیار کرد. سید محمد نوربخش در سال 795 ق. در قاین متولد شد. پس از پشت سر گذاشتن دوران کودکی و فراگیری علوم به تصوف پیوست و مرید خواجه اسحاق ختلائی گشت. ختلائی بر حسب خوابی که دیده بود به او لقب نوربخش داد. و آخرین خرقة پیر و مرشد خود، سید علی همدانی را به او پوشانید و بر مسند ارشاد نشاند و «نه فقط خانقاه و تمامی امور سالکین را به او واگذاشت بلکه با او بیعت و مریدان خود را نیز به این کار تشویق کرد» (تهرانی، 1362: 134/4). سید محمد نوربخش در شهر ری رحل اقامت افکند و قریه سولقان را بنا کرد و در همان جا درگذشت.

امین احمد رازی در هفت اقلیم نوشته است که سید محمد نوربخش دو پسر داشت؛ پسر بزرگش سید جعفر و پسر کوچکش شاه قاسم (پدر بهاءالدوله) بود. سید جعفر در زمان سلطان حسین بایقرا به دارالسلطنه هرات رفت اما با نارضایتی از مقرری که برای او تعیین شده بود آنجا را به قصد عربستان ترک گفت و باقی عمرش را در آنجا به سر برد (خواند میر، 1333: 116/4).